

پژوهش‌های تاریخی

سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۶۱)، بهار ۱۴۰۳، ص ۸۵-۱۰۴

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۴/۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۴

مقاله پژوهشی

مفهوم شورش [ی] در کتیبه بیستون؛ واژگان و عبارات رسمی

عادل اله یاری^۱، دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Allahyari.adel@ut.ac.ir

حسین بادامچی^۱، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hbadamchi@ut.ac.ir

چکیده

کتیبه بیستون داستان پادشاهی داریوش بزرگ و نبردهای پیروزمندانه او بر شورشیان را از زبان خود وی گزارش می‌کند. بیستون، با توجه به موضوع خود به گونه‌ای کلیدی و پرکاربرد مفهوم شورش [ی] را به کار می‌گیرد؛ اما این مفهوم در درازای تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران دچار دگرگونی شده و همواره به یک معنی فهم نمی‌شده است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو چستی مفهوم شورش [ی] در اندیشه سیاسی شاهنشاهی هخامنشی در متن کتیبه بیستون است. این پژوهش برای پاسخ به این پرسش، با بهره‌گیری از روش تاریخ مفهومی بر پایه تحلیل متن پارسی باستان کتیبه بیستون، بر واژگان و عباراتی که برای اشاره به مفهوم شورش [ی] به کار رفته‌اند تمرکز می‌کند. همچنین، چگونگی کارکرد آنان را در کتیبه در نظر گرفته و آنها را با معادل‌های خود، به ویژه در نسخه اکدی و برای نشان دادن بستر تاریخی و دامنه‌های معناشناختی، با برخی نمونه‌های مشابه در اسناد شاهان میان‌رودان می‌سنجد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بیستون برای مفهوم شورش [ی] از واژگان و عباراتی استفاده می‌کند که درک معنا و مفهوم پاره‌ای از آنها بدون توجه به پیشینه استفاده از آنان در سنت شاهان میان‌رودان به ویژه آشور نو، آسان نیست؛ اما، حذف برخی از این موارد و هم‌زمان استفاده از عباراتی نو در ستون پنجم، گونه‌ای تحول را در اندیشه سیاسی هخامنشیان نسبت به چگونگی بازنمایی مفهوم شورش [ی] نشان می‌دهد. با این وجود، همه واژگان و عبارات بازنمایی‌کننده مفهوم شورش [ی] در بیستون، یک ویژگی مشترک از چستی این مفهوم در اندیشه سیاسی هخامنشیان را بازنمایی می‌کنند و آن، مسئله شکسته شدن پیمان وفاداری نسبت به شاه هخامنشی است؛ «پیمان‌شکن [ی]».

واژه‌های کلیدی: اریکه، دروغ، کتیبه بیستون، مفهوم شورش [ی]، پیمان‌شکن [ی].

* نویسنده مسئول

اله یاری، عادل، بادامچی، حسین. (۱۴۰۳). مفهوم شورش [ی] در کتیبه بیستون؛ واژگان و عبارات رسمی. پژوهش‌های تاریخی

2476-3306 © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



10.22108/jhr.2024.141872.2667

مقدمه

کتیبه بیستون، مهم‌ترین سند بازمانده در تمام خاور نزدیک باستان و یکی از کهن‌ترین اسناد یافت‌شده از زبان‌های ایرانی و تنها کتیبه پارسی باستان است که آشکارا رویدادهای سیاسی را گزارش می‌کند. بنابر متن کتیبه، دهم ماه باگه‌یادیش^۱ (= ۲۹ سپتامبر) سال ۵۲۲ پ.م، داریوش یکم، پسر ویشتاسپ هخامنشی، به یاری اهوره‌مزدا و همراهی شش تن از بزرگان پارسی، گوماته مغ، مردی که به‌دروغ خود را بردیا پسر کورش معرفی کرده و به تخت شهرباری نشسته بود را در دژی در سرزمین ماد کشتند. این حرکت باعث پیدایش شورش‌هایی گسترده در عیلام، بابل، پارس، ماد، آشور، مصر، پارت، مرو، تته‌گوش و سکا در برابر شهرباری داریوش شد. در مقابل، داریوش به پشتیبانی اهوره‌مزدا و نیروی سپاهیان پارسی و مادی خود، همه شورش‌ها را در یک سال و در نوزده نبرد، پیروزمندانه درهم شکست. وی در این میان، نه رهبر شورش را دستگیر کرد و به مجازات رساند. سپس، داریوش برای تثبیت مشروعیت خویش، فرمان به ساخت کتیبه بیستون و نگارکردن آن داد. وی در آنجا چرایی و چگونگی برآمدن خود به تخت شاهنشاهی هخامنشیان را گزارش کرد. این سند باتوجه‌به زمینه سخن، به‌گونه‌ای کلیدی و پرکاربرد از واژگان و عباراتی ویژه برای بازنمایی مفهوم شورش [ی] استفاده می‌کند؛ اما، پرسش این است که آیا واژگان یا عباراتی که شاه هخامنشی برای بازنمایی مفهوم شورش [ی] به کار می‌گیرد، همان معنی را می‌رساند که امروزه ما از مفهوم شورش [ی] درک می‌کنیم؟

در واقع، شورش [ی] واژه‌ای پرکاربرد در تاریخ اجتماعی - سیاسی بشر است. این واژه امروزه در

حوزه مطالعات علوم انسانی، به‌ویژه پژوهش‌های علوم اجتماعی و یا علوم سیاسی تعریف خاص خود را دارد؛ اما، پیداست که مفهوم شورش [ی] در درازای تاریخ دچار دگرگونی شده و همواره یکسان فهم نمی‌شده است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «شورش» را در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به معنی نافرمانی شهروندان یا اتباع یک کشور در برابر حکومت با توسل به شیوه‌های خشونت‌آمیز می‌داند (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷، ج. ۲۲۱/۵)؛ اما از دیدگاه جامعه‌شناسی، «شورش» بیشتر نشان‌دهنده مبارزه با اقتدار سیاسی حاکم است، ولی برخلاف انقلاب به‌دنبال دگرگونی بنیادین در ساختار سیاسی جامعه نیست و هدف از آن تنها جابه‌جایی کسانی است که در رأس امور جای دارند (گیدنز، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۱۳).

همچنین، فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد نیز «شورش» را این‌گونه تعریف می‌کند: «قیام مسلحانه و سازمان‌یافته علیه حاکم یا دولت مستقر؛ قیام، طغیان»^۲ (OED s.v. rebellion, n.1 [1a]). این حاکم یا حکومت مستقر، حکومتی است که اندازه‌ای از کنترل را بر شورشیان اعمال می‌کند، واقعیتی که با ریشه‌شناسی این اصطلاح، از واژه لاتین *rebellāre* «شروع دوباره جنگ» و تعریف فرهنگ لغت از «شورش»، این‌گونه بیان شده است: «انکار وفاداری به دولت مستقر به‌ویژه از راه شورش جمعی و مسلحانه»^۳ (OED s.v. rebellion, n.1 [1a]). با این‌همه، در برهان قاطع آمده است که واژه «شورش» در زبان فارسی «به معنی شوریدن است، یعنی شور و غوغا کردن - و درهم‌آمیختن - و برهم‌زدن - و برهم‌خوردن» (برهان قاطع، ۱۳۶۲، ج. ۱۳۶۲/۱).

² rebellion

³ "An organized armed resistance to an established ruler or government; an uprising, a revolt".

⁴ "An act of renouncing allegiance to established authority, esp. through collective armed rebellion".

¹ Bāgayādaš

در نظر گرفت (Koselleck, 2002, p. 20). هرچند به هر گونه‌ای که تاریخ مفهومی را تعریف کنیم، توجه به زبان، به‌ویژه واژگان و محتوای معنایی آنها محوریت دارد. با این وجود، کوزلک تأکید دارد که در تاریخ مفهومی «مفاهیم بنابر کارکرد اجتماعی-سیاسی و نه زبانی آنها مورد واکاوی قرار می‌گیرند» (Koselleck, 2011, p. 18).

پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه مفاهیم سیاسی به‌کاررفته در کتیبه‌های پارسی باستان شاهان هخامنشی را می‌توان با مقاله‌ای از کلاریس هرن‌اشمیت آغاز کرد. وی در پژوهشی به سال ۱۹۷۶م. با تمرکز بر کتیبه‌های پارسی باستان داریوش بزرگ، به بررسی پاره‌ای از «مفاهیم سیاسی» به‌کاررفته در آنها پرداخته و چگونگی تحول شماری از این مفاهیم را در دوران فرمانروایی وی (۵۲۲-۴۸۶ پ.م) بررسی می‌کند (Herrenschmidt, 1976, pp. 33-66). هرچند، هرن‌اشمیت در پژوهش خود به مفهوم شورش [ی] نپرداخت؛ اما پژوهش او راهگشای دیگر پژوهش‌ها در این زمینه بود.

پس از او، وردنبورخ در مقاله‌ای با عنوان «مفاهیم سیاسی در کتیبه‌های شاهانه پارسی باستان» به بررسی ستون پنجم متن پارسی باستان کتیبه بیستون پرداخته و اشاره می‌کند که در این بخش از کتیبه، شورشیان «غیر اهوره‌مزدپرست» معرفی شده‌اند، درحالی‌که در بخش‌های پیشین (ستون‌های یکم تا چهارم) آنان را «پیروان دروغ» خوانده‌اند. وی این دگرگونی در ستون پنجم را نشانه‌ای از توسعه مفاهیم سیاسی در سال‌های نخستین فرمانروایی داریوش بزرگ می‌داند و نتیجه می‌گیرد که عبارت «غیر اهوره‌مزدپرست» در اصل اشاره به مسئله وفاداری نسبت به شاه هخامنشی دارد (Weerdenburg, 1993, pp. 157-158).

باتوجه به این گستره معنایی واژه «شورش»، بهتر است این پرسش را مطرح کنیم که مفهوم شورش [ی] در بیستون که خود بازتاب‌دهنده اندیشه سیاسی هخامنشیان در آغاز پادشاهی داریوش بزرگ است، دقیقاً به چه معنایی است؟ از این رو، پژوهش حاضر کوشش دارد با گذر از مفهوم امروزی شورش [ی]، با بررسی واژگان و عبارات رسمی متن پارسی باستان کتیبه بیستون، به چستی مفهوم شورش [ی] در اندیشه سیاسی بازتاب‌یافته در متن کتیبه بیستون نزدیک شود. برای این منظور، پژوهش پیش‌رو از روش «تاریخ مفهومی»^۱ بهره می‌گیرد؛ تاریخ مفهومی در ابتدایی‌ترین سطح خود تاریخ واژه‌هاست؛ اما این واژه‌ها که آنان را مفاهیم می‌نامیم، ویژگی‌هایی خاص دارند. مفاهیم از لحاظ معنایی پربارتر، مبهم‌تر و در نتیجه بحث‌برانگیزتر از واژگانی هستند که تنها برای نام‌گذاری چیزهایی خاص در دنیای مادی به کار می‌روند (Jordheim, 2021, p. 1). به عبارت دیگر، می‌توان معنای یک واژه را با تعریف آن به‌گونه‌ای دقیق روشن کرد؛ اما مفاهیم را تنها می‌توان تفسیر کرد (Koselleck, 1972, p. XXIII). در روش تاریخ مفهومی، کوشش می‌شود با استفاده از دانش زبان‌شناسی پلی میان تاریخ ایده‌های کهن و تاریخ فکری نوین برقرار شود (کلارک، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۱). آن‌گونه که کوزلک می‌گوید، تاریخ مفهومی «تصویر تاریخ را از طریق مفاهیم اساسی آن آغاز می‌کند و این مفاهیم را به‌گونه تاریخی درک می‌کند»، وی تأکید دارد که موضوع اصلی تاریخ مفهومی «هم‌گرایی مفاهیم و تاریخ است» (Koselleck, 2011, p. 21). مهم است در این روش برای درک چستی یک مفهوم، زمینه اجتماعی که آن مفهوم را به کار می‌گیرد

¹ Conceptual history

مقاله‌ای دیگر با عنوان «بازنمایی دروغ در ایران هخامنشی»، با دست‌نهادن بر عبارت «... drauga vasaj abava» = «دروغ... بسیار شد» در کتیبه بیستون، برداشت می‌کند که این عبارت «دروغ» را به‌گونه‌ای توصیف می‌کند که «یعنی دروغ از نیستی به وجود می‌آید، رشد می‌کند، تغییر شکل می‌دهد، تکثر می‌یابد و مانند شری واگردار و نابودکننده گسترش می‌یابد» (Lincoln, 2012, p. 216). افزون‌بر این، لینکن در دیگر مقاله‌اش با عنوان: «شورش و برخورد با شورشیان» (Lincoln, 2012, p. 393-405)، با استفاده از متن پارسی باستان کتیبه بیستون و تمرکز بر کتیبه‌های کوچک معرفی پیکره‌ها در آنجا (DBb- DBj)، کوشیده است تا آنچه را که هخامنشیان «شورش» می‌شمردند، شناسایی کند. وی پنج عبارت ویژه را که در کتیبه بیستون برای شناسایی شورش به کار رفته‌اند، مشخص می‌کند: «او برخاست»، «او بر من شورش شد»، «او دروغ گفت»، «او اعلام کرد: من در X شاه هستم»، «او پادشاهی/شاهی را به دست آورد» یا «او شاه شد». باین‌همه، لینکن در هیچ‌یک از آثار خود به چستی «مفهوم شورش [ی]» در کتیبه بیستون اشاره‌ای نکرده و تنها به عباراتی که برای شناسایی «شورش» به کار رفته‌اند پرداخته است.

در واقع، واکاوی مفهوم شورش [ی] در بیستون تاکنون موضوع پژوهشی مستقل نبوده است. از این‌رو، در ادامه به تک‌تک واژگان، عبارات و یا اصطلاحاتی که در متن پارسی باستان کتیبه بیستون برای اشاره به مفهوم شورش [ی] به کار رفته‌اند، با توجه به ترتیب کاربردشان در متن کتیبه، پرداخته می‌شود.

پنگراتس لایستن در مقاله‌ای با عنوان «شاه دروغ‌زن و پیامبر دروغین، انتقال بین فرهنگی یک ابزار بلاغی در ایدئولوژی‌های خاور نزدیک باستان»، نمونه‌های بسیاری از آنچه وی «موتیف^۱ دروغ»^۲ می‌خواند را در اسناد شاهان خاور نزدیک باستان از سده ۲۴ پ.م تا به دوران هخامنشیان و حتی فراتر از آن، بررسی می‌کند (Pongratz-Leisten, 2002, pp. 215-243). او نتیجه می‌گیرد که موتیف «دروغ» در اصل ابزاری بلاغی^۳ برای اشاره به «بی‌وفایی» و «شورش» در برابر شاه بوده و همواره در پیوند با مسئله شکسته‌شدن پیمان وفاداری و گاهی بحران‌های جانشینی به کار می‌رفته است. به گفته وی، داریوش نیز در بیستون به پیروی از همین سنت، موتیف «دروغ» را به کار گرفته است. همچنین، وی توصیف شورشیان به «غیر اهوره‌مزدپرست» را در ستون پنجم کتیبه بیستون، با توجه به نمونه‌های آشوری، اشاره‌ای به شکسته‌شدن سوگندهای وفاداری می‌داند (Pongratz-Leisten, 2002, p. 132-234).

لینکن در کتاب *شادی برای مردم: دین هخامنشیان و پروژۀ امپریالیستی* که مجموعه مقالاتی از آثار اوست، در مقاله‌ای با عنوان «راستی شاه»^۴ به بحث پیرامون واژه arika در کتیبه بیستون می‌پردازد. وی arika را به معنی «آسیب‌پذیر در برابر فریب»^۵ می‌گیرد و باور دارد که هخامنشیان arika را پیش‌شرط گسترش «دروغ» در جهان معرفی می‌کردند، دروغی که خود برانگیزاننده شورش بود (Lincoln, 2012, p. 20-41). همچنین، وی در

^۱ موتیف: یک عنصر موضوعی برجسته معمولاً تکراری؛ به‌ویژه یک ایده غالب یا موضوع مرکزی را گویند.

^۲ The motif of lie

^۳ rhetorical device

^۴ The King's Truth

^۵ "Vulnerable to deception"

^۶ "Which is to say, the Lie emerged from nothingness, ramified, mutated, multiplied, and spread: a contagions, corrupting evil."

در مثال بالا و همه دیگر مواردی که واژه udapatatā در آنها به کار رفته است (-35: DB I. 11: 38; 16: 75, 78; II. 22: 8-11; 24: 13-17; III. 40: 78-80; 21-24; III. 49: 78-80)، نشانه‌ای از اینکه این واژه بی‌درنگ شورشی فراگیر را بازنمایی کند، دیده نمی‌شود. در واقع udapatatā نه به شورشی فراگیر، که به زمانی پیش از برپایی شورش بازمی‌گردد:

<p>pasāva aḥva martiya Ačina nāma, Upad(a)ramahyā puça, haḥ udapatatā Ūjaḥ, kārahyā avaθā aθanhā: adam Ūjaḥ xšayaθiya ami, pasāva Ūjīyā hamiçiyā abava, abi avam Ačinam ašiyava, haḥ xšayaθiya abava Ūjaḥ (DB I, 16: 74-77).</p>	<p>مردی به نام آسینه، پسر او پدَرَمَه، در عیلام برخاست/سر برآورد؛ به مردم/سپاه چنین گفت: من در عیلام شاهم؛ سپس عیلمیان شورشی شدند [و] به آسینه پیوستند؛ او در عیلام شاه شد.</p>
--	---

همان‌گونه که در مثال‌های بالا پیداست، این واژه در اصل برای معرفی رهبر شورش، اهداف او و در کل، چگونگی فرایند برپایی شورش به کار می‌رود:

<p>aḥva martiya Fravartiš nāma Māda, haḥ udapatatā Mādaḥ, kārahyā avaθā aθanha: adam Xšaθrita ami, Ūvaxštrahyā taḥmāyā, pasāva kāra Māda, haḥ hacāma hamiçiya abava, abi avam Fravartim ašiyava, haḥ xšayaθiya abava Mādaḥ (DB II, 24: 13-17).</p>	<p>مردی بود فرورتیش نام، مادی، او در ماد برخاست/سر برآورد، به مردم/سپاه چنین گفت: من خشثریته‌ام؛ از تخممه هووخشتره؛ سپس سپاه مادی که در کاخ بود، از من شورشی شد، [و] به فرورتیش پیوست؛ او در ماد شاه شد.</p>
--	--

باید توجه داشت که نسخه اکدی بیستون برای udapatatā از واژه «tebû» استفاده می‌کند، واژه‌ای که در فرهنگ لغت آشوری شیکاگو هم به «شورش» و هم به «برخاستن به قصد شورش» (CAD 18, T, 307, 315) ترجمه شده است. از این‌رو، باتوجه‌به چگونگی کاربرد این واژه در متن پارسی باستان کتیبه بیستون می‌توان معنی دوم را برای آن مناسب‌تر دانست.

۱. شورش [ی]

۱-۱: udapatatā

از آنجا که «udapatatā» نخستین واژه‌ای است که گاهی در ترجمه‌های انجام‌گرفته از متن پارسی باستان کتیبه بیستون به معنی «شورشی» گرفته شده است (Lecoq, 1997, pp. 190-206; Bae, 2001, p. 274)، در آغاز به آن می‌پردازیم.

udapatatā، از ریشه فعلی pat «پردن، افتادن» با پیشوند فعلی ud «بالا، فراز»، در اصل به معنای برخاستن/سر برآوردن، که به صورت مجازی (منفی) به معنی «شورش کردن» گواهی شده است (Schmitt, 2014, p. 230). این واژه تنها ۸ مرتبه در بیستون به کار رفته است که در همه موارد نیز اشاره به گنش یک تن (رهبر شورش) دارد و هرگز درباره kâra با دو مفهوم «مردم» و «سپاه» یا برای dahyu با مفهوم «سرزمین/کشور» به کار نرفته است (Schmitt, 2014). بنابراین، در بیستون هرگز گفته نمی‌شود که فلان مردم/سپاه یا فلان سرزمین/کشور udapatatā کرده است. همچنین، udapatatā همواره با نام مکانی که فرد مدعی از آنجا برخاسته یا سرزمینی (دهیو) که وی خواستار پادشاهی بر آن بوده است همراه می‌آید.^۱ برای مثال:

<p>θāti Dārayavauš xšayaθiya pasāva aḥva martiya maguš āha Gaḥmāta nāma haḥ udapatatā hacā Paḥšiyāvādā Arakadriš nāma kaḥfa hacā avadaš Viyaxnahya māhyā caçudaθā raçcabiš θakatā āha yadi udapatatā ... (DB I. 11: 35-38)</p>	<p>گوید داریوش شاه: پس از آن یک مرد مغ، گوماته نام، او از پیشیاووادا برخاست/سر برآورد، کوهی به نام آرکدریش، از آنجا، چهارده روز از ماه وی‌یخنه گذشته بود، آن‌گاه که برخاست/سر برآورد ...</p>
--	--

۱. درباره گوماته مغ موضوع چیرگی بر سراسر شهریار (xšaçam) مطرح است (DB I. 11: 35-43). به نظر، وهیزداته پارسی نیز چنین ادعایی داشت (DB III. 40: 21-28).

۱- ۲: hamīḥiya

hamīḥiy واژه‌ای که آن را همواره به «شورش» ترجمه کرده‌اند (Kent, 1953, p. 213; Schmitt, 1991, p. 51; Lecoq, 1997, pp. 190-206; Bae, 2001, p. 261). hamīḥiya به‌گونه‌ای پُربسامد در انواع حالت‌های صرفی خود ۴۵ بار در متن پارسی باستان کتیبه بیستون به کار رفته است. این واژه در مفهوم «شورشی»، برای افراد و گروه‌های زیر فرمان آنها و به‌گونه‌ای عام برای «سرزمین» و به‌طور خاص برای «باشندگان آن سرزمین‌ها» و همچنین، برای kāra با دو مفهوم «مردم» و «سپاه» در بیستون استفاده شده و آنان را توصیف می‌کند (Schmitt, 2014, p. 188-189).

hamīḥiya خود از سه بخش ساخته شده که شامل hama- به معنی «هم، یکی، یکسان»، miḥa- به معنی «پیمان» (اوستایی: Miθra؛ ودایی: Mitrá)، و -(i)ya- (پسوند سازنده صفت) است؛ این واژه همواره با فعل «bav- = شدن، بودن» به کار می‌رود. اشمیت معنی تحت اللفظی hamīḥiya را «پابند به همان پیمان با همان تعهدات»^۱ می‌داند و آن را به «مرتد، شورشی، مخالف، حریف»^۲ ترجمه می‌کند (Schmitt, 2014).

کنت و پس از او برندنشتاین و مایرهورفر hamīḥiya را مشتق از ham یا ha + miḥa دانسته و «هم‌پیمان، توطئه‌گر»^۳ معنی کرده‌اند (Kent, 1953, p. 124213; Brandenstein-Mayrhofer, 1964, p. 124213); اما تیمه، این واژه را برگرفته‌شده از ha «بدون» و miḥa- می‌داند. به گفته او بهترین معنی برای hamīḥiya «بی‌وفایی» است (Thieme, 1971, p. 297-).^۴ حسن دوست (۱۳۹۹، ص. ۲۹۱)، hamīḥiya را «پیمان‌شکن، نافرمان، شورشی، یاغی» و مولایی

(۱۳۹۹، ص. ۴۱۶)، آن را «یاغی، شورشی، پیمان‌شکن، خائن، خصم، دشمن» معنی کرده است. برای درک بهتر معنی واژه hamīḥiya، نگاهی به نحوه کارکرد آن در متن کتیبه بیستون یاری‌رسان خواهد بود:

pasāva kāra haruva hamīḥiya abava hacā Kambūjiyā abi avam ašiyava (DB I. 11: 40-41).	«سپس مردم/سپاه همگی شورشی شده از کمبوجیه به او پیوستند».
---	--

در این متن، «او» اشاره به بردیای دروغین یا همان گوماته مغ است. جمله (hacā Kambūjiyā abi avam ašiyava) «از کمبوجیه به او پیوستند» نشان می‌دهد که در اینجا سخن درباره پیمانی است که پیش‌تر میان کمبوجیه و مردم/سپاه بسته شده بود. پیمانی که بنابر متن از سوی مردم/سپاه شکسته شد، زیرا آنان به گوماته پیوستند (DB I 40-41). بیستون در رابطه با شورش‌هایی که علیه داریوش شاه رخ می‌دهد نیز کمابیش از عبارتی همانند استفاده می‌کند:

pasāva kāra Māda, haya viθāpati, haḥ hacāma hamīḥiya abava, abi avam Fravartim ašiyava (DB II. 24: 15-17).	«سپس مردم/سپاه ماد که در کاخ بودند، از من شورشی شده به فرورتی پیوستند».
--	---

جمله بالا دو بار دیگر و تنها با تفاوت در نام فردی که شورشیان به او پیوسته‌اند، در بیستون تکرار می‌شود (DB III. 40: 26-28; III. 49: 78-82). به واقع، عبارت (hacāma hamīḥiya abava)، «از من شورشی شدند»، را می‌توان «از من پیمان بریدند»، نیز ترجمه کرد (حسن دوست، ۱۳۹۹، ص. ۹۸، ۱۰۰). افزون‌بر این، عباراتی همانند نیز در دیگر جاهای کتیبه دیده می‌شوند (DB II. 35: 92-93; III. 76-77: 49)، برای مثال:

^۱ „zum gleichen (Bündnis-)Vertrag geh□rig, mit denselben Vertragsbindungen".

^۲ „abtrümlig, aufständisch; gegnerisch/Gegner"

^۳ Vertrag, Verschworener

^۴ illoyal

بنابراین، می‌توان hamīçiya را «کسانی که پیمان وفاداری خود نسبت به شاه هخامنشی را شکسته و با دیگری بر ضد او هم‌پیمان شده‌اند»، معنی کرد.

۱-۳: شورش یا دشمن؟

نسخهٔ اکدی کتیبهٔ بیستون در برابر واژهٔ hamīçiya از «nakāru» استفاده می‌کند؛ واژه‌ای که گاهی از سوی پژوهشگران به «دشمنی»^۱ ترجمه شده است (Bae, 2001, p. 355). این ترجمه از nakāru با توجه به رابطهٔ آن با «nakru» به معنای «دشمن» به دست آمده است (Dewar, 2019, pp. 58-59). در واقع، متون آشوری برای اشاره به «شورش» به معنای خاص آن، واژهٔ «nabalkutu» را به کار می‌برند. لیورانی nabalkutu را این‌گونه تعریف می‌کند: «اگر دشمنی که پیش‌تر تسلیم شده و به سوگند وفاداری ملزم گشته، سوگند را نقض کند» (Liverani, 1990, p. 128). بنابراین، آشکار است که nabalkutu دارای گسترهٔ معنایی محدودتری نسبت به nakāru است. باین‌وجود، فرهنگ لغت آشوری شیکاگو «شورش» را یکی از معانی nakāru می‌شناسد (CAD N, 11, 159) و این واژه را در ترجمهٔ متن بیستون دربارهٔ اقدامی که علیه کمبوجیه صورت گرفته، «شورش» معنی می‌کند (CAD N, 11, 162). همچنین، در برخی پژوهش‌ها نیز به‌هنگام توصیف کارهای دشمنان آشور nakāru را به «شورش» ترجمه کرده‌اند (RIMA 1: 119, 136; RIMA 2: 171; RIMA 3: 183). براین‌اساس، nakāru معنای «شورش کردن» را با توجه به زمینهٔ متنی که در آن به کار می‌رود به خود می‌گیرد.

θāti xšāyaθiya Bābirau dahyāva hamīçiya	Dārayava.uš yātā adam āham imā tayā hacāma abava (DB II. 21: 5-7).	«گوید داریوش شاه: هنگامی که در بابل بودم این سرزمین - ها از من شورش شدند.»
---	---	--

بنابراین، (hacā Kambūjiyā = از کمبوجیه) یا (hacāma = از من [داریوش]) به X پیوستند را، می‌توان به معنی شکسته‌شدن پیمان وفاداری نسبت به شاه هخامنشی گرفت؛ چراکه داریوش شاه در بیستون در جایگاه جانشین مشروع کمبوجیه سخن می‌گوید (DB I. 10-14: 26-71). این بازنمایی، یکی از کارکردهای اصلی کتیبهٔ بیستون است. بنابراین، داریوش شاه از این زاویه به مسئلهٔ شکسته‌شدن پیمان‌های وفاداری می‌نگرد. در واقع، موضوع شکسته‌شدن پیمان‌های وفاداری به چگونگی و چرایی برخورد داریوش شاه نسبت به شورشیان، جنبهٔ «حقوقی» داده و اعمال شاه هخامنشی را مورد تأیید خدایان (در بیستون به‌ویژه اهوره‌مزدا) قرار می‌دهد. باید توجه داشت که hamīçiya خود واژه‌ای است که نام «Mitra» خدایی که در باور آریاهای نخستین خویشکاری‌اش پشتیبانی از وفاداران به پیمان و مجازات سخت پیمان‌شکنان بود (Thieme, 1975, p. 28-29) را در خود جای داده است.

افزون‌بر این، متن کتیبه نشان می‌دهد که واژهٔ hamīçiya زمانی که برای اشاره به شورش تازه به کار می‌رود، همواره تأکید بر پیوستن آن شورشیان به دیگری می‌کند:

pasāva Ujjiyā hamīçiyā abava, abi avam Açinam ašiyava (DB I. 16: 75-76).	سپس عیلامیان شورش می‌شدند [و] به آسینه پیوستند.
pasāva kāra haya Bābiruviya haruva abi avam Nadintaba ram ašiyava, Babiruš hamīçiya abava (DB I. 16: 79-80).	سپس همهٔ بابلیان به ندینته - بیره پیوستند، بابل شورش می‌شد.

¹ to be hostile

آغاز کتیبه بیستون، نشان‌دهنده اهمیت این بند از کتیبه برای درک بهتر گفته‌هایی است که از زبان داریوش شاه در ادامه متن می‌آید. بنابر متن، *arīka* ^۲ *agriya* بازنمایی‌کننده دو مفهوم کلی و متضاد یکدیگر در اندیشه سیاسی هخامنشیان هستند. مفاهیمی که به نظر، چستی اعمال مردانی را که نام آنان در ادامه کتیبه یاد شده را بازنمایی می‌کنند.

۲-۱: *agriya*

agriya را اشمیت از واژه هند و ایرانی *agrija* = اوستایی *ayriia* به معنی "نخست^۳، برترین^۳ دانسته و باتوجه‌به متن کتیبه (DB I. 8: 21) و خوانش مایرهوفر (ودایی *agriyā* "عالی‌ترین، بهترین") آن را به "وفادار"^۴ ترجمه کرده است (Schmitt, 2014, p. 126)؛ اما کنت *agriya* را *āgariya* خوانده، از ریشه *gar-* "ستودن" در اوستا (با پیشوند *ā*)، البته او نیز به "وفادار"^۵ ترجمه کرده است (Kent, 1953, p. 165). *agriya* را لوکوک "وفادار"^۶ (Lecoq, 1997, p. 189) بیّه (Bae, 2001, p. 241) "وفادار"^۷، حسن دوست (۱۳۹۹، ص. ۱۹۷-۱۹۸)، "وفادار"، و مولایی (۱۳۹۹، ص. ۷۹-۸۰) نیز "وفادار" ترجمه کرده‌اند. همچنین، از آنجاکه این واژه تنها یکبار در کتیبه بیستون به کار رفته است (DB I. 8: 21)، بهتر است اشاره شود که نسخه اکدی، واژه «*pitqudu*» را که از سوی پژوهشگران به "قابل اعتماد/امین"^۸ (Bae, 2001, pp. 12, 54; 241, 359; Von Voigtländer, 1978, pp. 12, 54; 241, 359)؛ همچنین نک به: CAD P, 12. 441) ترجمه شده است، برای معادل واژه *agriya* به کار می‌برد.

بنابراین، در بیستون دبیران بابلی داریوش شاه نیز به‌هنگام کاربرد واژه *nakāru* برای معادل *hamiçiya*، همین معنی (شورش/شورش کردن) را در نظر داشته‌اند. به‌ویژه که در کتیبه‌های پارسی باستان (DNa 47) برای اشاره به «دشمن» از واژه «*paratara*» (Schmitt, 2014, p. 226) و یا «*hajnā*» (DPd 16, 19) به معنی «سپاه دشمن» (Schmitt, 2014, p. 186)، استفاده کرده‌اند. در واقع، شاه هخامنشی هرگز مردم/سپاه شورشیان را «سپاه دشمن = *hajnā*» نخوانده است (Schmitt, 2014).^۱

۲. مردان اگریه و اریکه

در بیستون، داریوش شاه پس از برشمردن نام سرزمین‌های شاهنشاهی (DB I. 6: 12-17) و اعلام فرمان‌برداری بی‌چون‌وچرای آنان در برابر خود (DB I. 7: 17-20)؛ آن‌گاه که هنوز داستان چگونگی رویداد شورش‌ها را آغاز نکرده است، چنین می‌گوید:

<p>θāti Dārayava.uš xšāyaθiya antar imā dahyāva martiya haya agriya āha avam ubrtam abaram haya arīka āha avam ufrastam aprsam (DB I. 8: 20-22).</p>	<p>«گوید داریوش شاه، در این سرزمین‌ها، مردی که اگریه بود او را پاداش دادم، پاداشی نیکو [با او خوب رفتار کردم]، آن که اریکه بود، او را کیفر دادم، کیفری سخت.»</p>
--	--

تأکید شاه هخامنشی بر دادن پاداش به مردان *agriya* و کیفر سخت آنان که *arīka* بودند، آن‌هم در

۱. باید گفت که *hamiçiya* نیز از سوی برخی پژوهشگران گاهی به «دشمن» ترجمه شده است؛ البته نه در کتیبه بیستون، بلکه تنها در کتیبه DNa و نمونه مشابه آن XPl، آن‌هم تنها در اثر اشمیت (اشمیت، ۲۰۰۹م. ص. ۱۰۹ و ۱۷۵؛ همچنین: Schmitt, 2014, p. 189). با این وجود، این ترجمه چندان مناسب به نظر نمی‌رسد و دیگر پژوهشگران نیز *hamiçiya* را در اینجا «شورش»، نافرمان یا پیمان‌شکن خوانده‌اند.

² erster

³ erstklassig

⁴ loyal, treu ergeben

⁵ loyal

⁶ loyal

⁷ loyal

⁸ Circumspect, trustworthy

گونه‌ای از مورچه)، یا واژه پارسی آریغ^{۱۱} "نفرت"^{۱۲} گرفته‌اند (Bailey, 1961, p. 476).

اما اشمیت هیچ‌یک از خوانش‌های «arika» (یا a^hrika-) و حتی «araēka» را درست نمی‌داند. به باور وی، خوانش این واژه به صورت arīka آن را در پیوند با واژه ودایی alīka "نادرست"^{۱۳}، گمراه‌کننده^{۱۴} جای می‌دهد. اشمیت، arīka را با واژه سغدی rīk = ryk "بد، پلید" می‌سنجد و آن را به "غیرقابل اعتماد"^{۱۵} بی‌وفای^{۱۶} معنی می‌کند (Schmitt, 2014, p. 136). ارتباط arīka با alīka در ودایی را نخستین بار یاکوب واکرناگل^{۱۷} بیان کرد (Wackernagel, 1932, pp. 28-29) دیدگاهی که از سوی بیشتر پژوهشگران پذیرفته شده است (Lincoln, 2012, p. 25).

افزون بر این، لوکوک arīka را «خائن»^{۱۸} ترجمه کرده و افزوده است: «باید کسی را که به تعهدی خیانت می‌کند مشخص کرد.» (Lecoq, 1997, p. 189)، وی اشاره می‌کند که بیرون از کتیبه بیستون واژه arīka تنها یک‌بار، آن‌هم در کتیبه‌ای تک‌زبان به عیلامی از داریوش بزرگ (DPf) به کار رفته است (Lecoq, 1997, p. 229):

<p>آنچه مردی خائن می‌اندیشد روی ندهد!^{۱۹}</p>	<p>(23) kap-pa-ka₄ hu-be a-nu kin-ni-en ap-pa v.RUH. (24).MEŠ-ir-ra ha-ri-ik-ka₄ el-ma-man-ra. (https://www.um.es/cepoat/elamita/?p=20741)</p>
--	--

البته، در متن عیلامی کتیبه بیستون (بالبقانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۶؛ Bae, 2001, p. 301)، و یا در کتیبه عیلامی تخت‌جمشید (Lecoq, 1997, p. 229)

به‌جز کتیبه بیستون، واژه agriya به‌صورت agriyānām (اضافی جمع مذکر) در کتیبه (XPI 29-30) و همچنین، به احتمال بسیار در کتیبه (DNb 27) نیز به کار رفته است (Schmitt, 2000, pp. 34, 36):

<p>utā^h uθa^hduš a^hmi utā vasaiy dadāmiy agriyānām martiyānām (XPI 29-30).</p>	<p>و [از او] بسیار خرسندم و بر مردان وفادار بسیار بخشش کنم.</p>
--	---

۲ - ۲: arīka

arīka را بارتمه (Bartholomae, 1904, p. 189) و پس از او کنت (1953, p. 170) «arika» خوانده‌اند و برگرفته از ایرانی باستان ahra- دانسته و با واژگان اوستایی ahra = angra "بد، خبیث"^۱ و -asta "نفرت"^۲، دشمنی^۳ سنجیده‌اند. چنین برداشتی، این واژه را در پیوند با واژه «Angra/Aṅra Mainyu»، (اهریمن: دیو بزرگ در دین زردشتی) جای می‌دهد. ایشان به ترتیب arika را "خصمانه"^۴، دارای نگرشی جداگانه^۵، دشمن^۶ (Bartholomae, 1904, p. 189)، و "بد"^۷، بی‌ایمان^۸ (Kent, 1953, p. 170) معنی کرده‌اند. شروو نیز arīka را a^hrika خوانده و احتمال می‌دهد که از ahriya به معنی "هواداری از شیطان/شر"^۹، و در پیوند با Maniiu (<ahra-) Aṅra بوده است (Skjærvø, 2020, p. 31, 56). برخی دیگر، arīka را با واژه ودایی arī- به معنی "دشمن"^{۱۰} در پیوند دانسته و آن را "دشمن"^{۱۱} ترجمه کرده‌اند (Meillet & Benveniste, 1931, p. 159) و یا آن را در ارتباط با واژه اوستایی araēka- (صفتی برای

¹¹ arēQ

¹² hate

¹³ unwahr

¹⁴ falsch

¹⁵ treulos

¹⁶ illoyal

¹⁷ Jacob Wackernagel

¹⁸ félon

¹⁹ "que n'arrive pas ce qu'un homme félon pense!"

¹ evil

² hate

³ enmity

⁴ Feindlich

⁵ Gesinnt

⁶ Feindselig

⁷ evil

⁸ faithless

⁹ siding with the Evil One

¹⁰ Ennemi

فریب را نشان می‌دهد، به‌سختی مجازات کنند. البته لینکن با توجه به خوانشی که از معنی واژه *arīka* می‌کند؛ *arīka* خواندن سکا‌های تیزخود را، بهانه‌ای از سوی شاه هخامنشی برای کشورگشایی می‌شمارد (برای آگاهی بیشتر در این باره نک به: (Lincoln, 2012)

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، *arīka* در نسخهٔ عیلامی بیستون به صورت «*ha-ri-ik-ka*» به کار رفته است (بابلقانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۶؛ Bae, 2001, p. 301)؛ اما نسخهٔ اکدی برای *arīka* از اصطلاح «*lib-bi*» «*bi-i-šú*» به معنای «نیت شر/شیطانی^۶، قلب بی‌وفا^۷» (Von Voigtländer, 1978, pp. 13, 14, 44, 54)؛ استفاده می‌کند و واژه *pitqudu* را به معنی «قابل اعتماد/امین^۸» (Bae, 2001, pp. 241, 359)؛ *arīka* به‌جای واژه *agriya* به کار می‌برد. در نتیجه، معنای «بی‌وفا» را که همزمان شرارت اخلاقی فرد *arīka* را نشان می‌دهد، تأیید کرده و نیز تضاد آن را با «*pitqudu*» = «قابل اعتماد» آشکار می‌کند. به نظر در اینجا «قابل اعتماد» را می‌توان «وفادار» گرفت؛ چنان‌که اشمیت نیز «بی‌وفا» را «غیر قابل اعتماد» دانسته است (Schmitt, 2014, p. 136).

افزون‌بر این، باید توجه داشت که در متن بالا (DB I. 8: 20-24)، شاه هخامنشی با به‌کارگیری عبارت «*aⁿtar imā dahyāva*» = در این سرزمین‌ها، که اشاره به فهرست سرزمین‌های شاهنشاهی دارد (DB I. 6: 12-17)، تردیدی به‌جای نمی‌نهد که در اندیشهٔ سیاسی هخامنشیان، مردان *agriya* و همچنین *arīka* درون مرزهای شاهنشاهی و در شمار مردمان فرمانبردار جای داشته‌اند. در نتیجه، *arīka* صفت کسانی است که از لحاظ اخلاقی شریر و پلید شده،

برای *arīka* از هیچ معادلی در زبان عیلامی استفاده نشده و به‌جای آن خودِ واژه را به صورت «*ha-ri-ik-ka*» یا بنابر خوانش هینتس و کخ «*ha-ri-ik-qa*» به کار برده‌اند، ایشان «*ha-ri-ik-qa*» را «بد، بی‌وفا» ترجمه کرده‌اند (Hinze & Koch, 1987, I, p. 628).

در همین رابطه، بیّه نیز *arīka* را (2001, p. 245) «خائن، بی‌وفا^۳»، حسن‌دوست (۱۳۹۹، ص. ۲۱۳) «ناسپاس، پیمان‌شکن، خائن، بی‌وفا»، و مولایی (۱۳۹۹، ص. ۷۹، ۱۰۷)، «بدخواه، پیمان‌شکن، خائن، نافرمان و بی‌وفا» ترجمه کرده‌اند. آن‌گونه که پیداست، بیشتر پژوهشگران برای *arīka* «*agriya*» به‌ترتیب معنی «وفادار» و «بی‌وفا» را پذیرفته‌اند.

با این‌همه، لینکن با رد نظریات تمامی پژوهشگران دربارهٔ ریشه‌شناسی واژه *arīka* و تنها با استفاده از معادل اکدی این واژه و چگونگی به‌کارگیری آن در متن کتیبه، *arīka* را به معنی «آسیب‌پذیر در برابر فریب» دانسته است (Lincoln, 2012, p. 28). به گفتهٔ وی، «*arīka*» دلالت بر وضعیتی ذهنی و عاطفی دارد که افراد در آن حالت هنوز به بدی و بی‌وفایی روی نیاورده‌اند؛ اما توانایی تبدیل شدن به آن را نشان می‌دهند» (Lincoln, 2012, p. 28).

با این وجود، به‌سختی می‌توان دیدگاه وی را پذیرفت. زیرا همان‌گونه که گفته شد، شاه هخامنشی در آغاز کتیبه به مجازات سخت مردان *arīka* تأکید می‌کند (DB I. 8: 20-22). بعید به نظر می‌رسد که در ایدئولوژی سیاسی هخامنشیان کسی یا کسانی را تنها به جرم اینکه از لحاظ ذهنی یا عاطفی آمادگی پذیرش

¹ b□se

² treulos

³ Unfaithful, disloyal

⁴ «Vulnerable to deception»

⁵ «*arīka* denotes a mental and emotional condition in which people have not yet turned evil or disloyal, but manifest the potential to become so.» (Lincoln, 2012: 28)

⁶ evil intent/ evil

⁷ disloyal heart

⁸ Circumspect, trustworthy

۷۴). لینکن، نابودی دروغ در سراسر زمین را اساس ایدئولوژی سیاسی آنان و در اصل بهانه‌ای از سوی هخامنشیان برای جهان‌گشایی می‌انگارد (Lincoln; 2007, pp. 26-32, 43).

در واقع، مفهوم «دروغ» در بیستون از جمله مباحثی است که در بیشتر مواقع به پرسش پر تکرار از دین هخامنشیان و زردشتی بودن یا نبودن آنان می‌انجامد؛ چراکه «آشه»^۱ «نظم، راستی» در جایگاه مفهوم مرکزی اوستای کهن، در برابر «دروغ»^۲ جای دارد (کلنز، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۵؛ Gnoli, 1987; Schlerath & Skjærvø, 2012; Rose, 2011, p. 18). دروجی که برهم‌زننده «نظم، راستی» (برانگیزاننده آشوب)، خوانده شده و زردشت پیامبر، آشکارا به مبارزه با پیروان آن تأکید کرده است (Insler, 1975, pp. 41, 51, 81, 89). هرچند، در کتیبه بیستون هیچ اشاره آشکاری به مفهوم «آشه» (در پارسی باستان = آرته) دیده نمی‌شود؛ برخی پژوهشگران وجود این مفهوم دوگانه گاهانی (آشه در برابر دروج) را در متن کتیبه بیستون مستتر می‌دانند (Ahn, 1992, p. 108; Hutter, 2021, p. 1285).

با این همه، واقعیت این است که آراء پژوهشگران درباره دین هخامنشیان، بس متفاوت است. این تفاوت به اندازه‌ای است که برخی قاطعانه آنان را زردشتی و برخی دیگر غیرزردشتی و یا با احتیاط بیشتر، تنها از روزگار داریوش بزرگ به بعد زردشتی شمرده‌اند (برای دیدن فهرست بلندی از این پژوهشگران و آراء گوناگون آنان تا سال ۱۹۹۰ میلادی، نک به: Yamauchi, 1996, pp. 419-433). در سال‌های اخیر، لینکن سنت‌های دینی بازناب‌یافته در کتیبه‌های شاهان هخامنشی و نیز متون دین

تعهد وفاداری خود نسبت به شاه هخامنشی را نادیده انگاشته و از او روی‌گردان شده‌اند؛ دقیقاً همان‌گونه که "مردم/سپاه" در روزگار پادشاهی کمبوجیه چنین شدند (DB I. 10: 33-35).

۳. و دروغ بسیار شد

کتیبه بیستون در نخستین گزارش خود از برپایی شورش در زمان پادشاهی کمبوجیه، چنین می‌گوید:

<p>pasāva Kmbūjiya Mudrāyam ašiyava yaθā Kmbūjiya Mudrāyam ašiyava pasāva kāra arīka abava utā drauga dahyaūvā vasaj abava, utā Pārsaj utā Mādaḡ utā aniyāuvā dahyušuvā (DB I. 10: 26-35).</p>	<p>«سپس، کمبوجیه راهی مصر شد، زمانی که به مصر رفت، مردم/سپاه بی‌وفا شدند و دروغ در سرزمین بسیار شد، در پارس و ماد و دیگر سرزمین‌ها.»</p>
--	--

در این متن «arīka = بی‌وفا [یی]» و «drauga = دروغ»، دو واژه کلیدی برای بازنمایی مفهوم شورش [ی] از نگاه شاه هخامنشی‌اند. مفهوم «دروغ» و کاربرد آن در بیستون یکی از چشمگیرترین جنبه‌های این کتیبه و شاید مهم‌ترین نکات آن باشد. در بیستون «دروغ‌گویی» ویژگی بارز همه رهبران شورش خوانده شده (DB IV. 52: 2-31)، و تأکید شده است که «دروغ» بود که سبب برپایی شورش در سرزمین‌ها شد؛ زیرا آنان (رهبران شورش) به مردم/سپاه «دروغ» گفتند (DB IV. 54: 33-36).

پرهیز هخامنشیان از «دروغ» و مجازات سخت دروغ‌گویان توسط آنان، نکته‌ای است که در تواریخ هرودت نیز دیده می‌شود (Herodotus, 1920, I. p. 138138, III. P. 27). برخی پژوهشگران باتوجه به کتیبه‌های شاهان هخامنشی «دشمنی با دروغ» را در کنار «پرستش اهوره‌مزدا» از جمله اصول بنیانی اعتقادات هخامنشیان می‌شمارند (رسولی، ۱۳۹۶، ص.

¹ aša

² druj

زردشتی را باتوجه‌به ویژگی‌های مشترک زبانی، فرهنگی و دینی آنها، به‌عنوان دو گونه از یک سنت گسترده و فراگیر ایرانی به نام «مزدایی»، باز شناخته است (Lincoln, 2007, p. 15) و شروو، هخامنشیان را پیرو دین زردشت، اما با ویژگی‌هایی محلی دانسته است (Skjærvø, 2014, p. 175). کلنز نیز در آخرین پژوهش‌های خود به‌گونه‌ای محتاطانه، تنها به طرح پرسش دراین‌باره بسنده کرده و نظری قطعی نداده است (Kellens, 2021, pp. 1211-1219).

اما فارغ از زردشتی، غیرزردشتی و یا مزدایی خواندن هخامنشیان؛ برخی پژوهشگران مفهوم «دروغ» را در کتیبه بیستون دارای کارکردی سیاسی دانسته‌اند؛ نه دینی (Schmitt, 2014, p. 170; Lecoq, 1997, pp. 163-164). چنان‌که لازار آن را به معنی «آشوب، بی‌نظمی / آشفتگی (اجتماعی)» گرفته است (Lazard, 1976, p. 180). به واقع، پیشینه استفاده از اصطلاح «دروغ» برای کارکردهای سیاسی را می‌توان در سنت خاور نزدیک باستان جست.

تاجایی‌که پیداست، بیستون تنها کتیبه بازمانده از شاهان هخامنشی است که زمان، مکان، نام افراد و رویدادها را گزارش می‌کند (Kuhrt, 2007a, p. 10). این ویژگی و پاره‌ای از دیگر جنبه‌های این کتیبه، ازجمله چگونگی نقش‌برجسته آن، تأکید بر پیروزی‌های شاه در یک سال، اهمیت عدد ۹ و پافشاری بر راست‌گویی؛ باعث شده برخی پژوهشگران کتیبه و نقش‌برجسته بیستون را تنها زمانی قابل درک بدانند که آن را در بافت خاور نزدیک باستان مورد مطالعه قرار دهیم (Rollinger, 2010, p. 1182016, pp. 5-6, 36).

به‌راستی نیز اسناد به‌دست‌آمده از برخی تمدن‌های خاور نزدیک باستان شامل اکد، شمال میان‌رودان و

سوریه [اسناد شمشاره^۱، ماری^۲ و عمرنه^۳]، هیتی و آشور، نشان می‌دهند که پیشینه کاربرد آنچه می‌توان موتیف «دروغ» نامید در ایدئولوژی سیاسی شاهان آن نواحی، از دوران سارگن اکدی (۲۳۳۴-۲۲۷۹ پ.م) تا به روزگار آشور نو (۷۴۶-۶۰۹ پ.م) قابل ردیابی است (Pongratz-Leisten, 2002) همچنین نک به: (Pompeo, 2020, pp. 106-108). بنابر این اسناد، موتیف «دروغ» ابزاری بلاغی^۴ برای اشاره به «بی‌وفایی» و «شورش» در برابر شاه بود و همواره در پیوند با مسئله شکسته‌شدن پیمان‌های وفاداری و گاهی نیز بحران‌های جانشینی به کار می‌رفت (Pongratz-Leisten, 2002, pp. 236-237). چنان‌که پیداست، «دروغ‌گویی» اتهامی بود که به‌هنگام بروز شورش، علیه دشمنان شاه مطرح می‌شد و واکنش نظامی وی علیه شورشیان را توجیه می‌کرد؛ سستی که بیش از دو هزار سال ادامه داشت (Pongratz-Leisten, 2002, pp. 106, 119; Pompeo, 2020, pp. 106, 119). در واقع، سارگن اکدی نخستین شاهی است که در نیمه دوم هزاره سوم پ.م، موتیف «دروغ‌گویی» را به معنای «شورشی» به کار برده است:

¹ Shemshāra

² Mari

³ Amarna

⁴ rhetorical device

در اینجا، آشوربانی پال افزون بر استفاده از موتیف «دروغ»، از عبارت «*libbašunu ikpudu lemuttu*»^۳ به معنی «نقشه‌های شیطانی/شر در قلب‌هایشان»^۴ برای اشاره به حالت شورشیان استفاده می‌کند.

پیش‌تر گفته شد که متن اکدی بیستون نیز به‌جای واژه *arīka* از اصطلاح «*lib-bi bi-i-šú*» به معنای «نیت شر/شیطانی، قلب بی‌وفا»^۵ بهره می‌گیرد (Bae, 2001, p. 349, 13, 14, 44 Voigtländer, 1978, pp. 13, 14, 44). شباهت میان این دو عبارت به اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. به‌ویژه که هر دو کتیبه به‌گونه‌ای همانند، پس از اشاره به «بی‌وفایی» یا «نیت شر شورشیان»، بی‌درنگ از موتیف «دروغ» استفاده می‌کنند (قس. DB I 10: 26-35). هرچند، کتیبه بیستون در نسخه اکدی خود از واژه «*surru*» که واژه‌ای معمول برای اشاره به دروغ در کتیبه‌های اکدی است بهره نمی‌گیرد. «دروغ = *drauga*» در نسخه اکدی بیستون «*pirištu*»، آمده که به‌صورت جمع «*piršātu*» به کار رفته است (Von Bae, 2001, p. 358 Voigtländer, 1978, p. 14).

این واژه، «*piršātu*» خود مشتق شده از «*parāšu*» به معنی «جداکردن»^۶ است (CAD, V 12. P 171, 175). واژه‌ای که در دوران سارگن دوم نیز از آن در زمینه شورش‌ها استفاده شده است و آشکارا به «بی‌وفایی» و «شورش» اشاره می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد پیوند میان «مفهوم شورش [ی]» و موتیف «دروغ» در بیستون را می‌توان در ادامه سنت شاهان میان‌رودان به‌ویژه آشور نو جای داد (Pongratz-Leisten, 2002,).

1) [šar-ru-GI] 2) [LUGAL] 3) [KIŠ] 4) 30+ [4 REC 169] 5) <i>iš u -a [r]</i> 6) UR. [KI].UR [U.KI] 7) <i>sà-ar-ru-t [im]</i> ^۱ 8) <i>u ID x</i> 9) [...] 10) <i>u [...]</i> (Frayne, 1993, p. 30).	[سارگن پادشاه] جهان پیروز شد در سی [و چهار نبرد] او... شهر [های] شورش‌ی ... (تحت اللفظی: دروغ گو...).
---	---

نزدیک به یک‌هزار و شصت سال پس از او،^۲ سارگن دوم (۷۲۱-۷۰۵ پ.م)، درباره اقدامات نظامی‌اش علیه شاهزادگان شورش‌ی همچنان از موتیف «دروغ» استفاده می‌کرد:

<i>v 9' a-na m[a-da-a KUR.šur]-da^۱-a-a</i> <i>v 10' da-bab la kit-ti ša it^۱-[ti-ia a-na šum]-ku^۱-ri</i> <i>v 11' iš-pu-ru e-li-tú</i> (RINAP, Sargon II 082).	«[او] فریب‌کارانه برای [آدا از سرزمین شورد] پیام‌های دروغین فرستاد، برای برانگیختن دشمنی با من».
---	--

و یا آشوربانی پال (۶۶۸ تا ۶۳۱ پ.م)، در یکی از کتیبه‌های خود چرایی رویداد شورش را با بهره‌گیری از موتیف «دروغ» و جای دادن آن در حوزه نافرمانی در برابر اراده خدایان، این‌گونه گزارش کرده است:

<i>iv 2'ar-ka-a-nu mni-ku-ú^۱ [mLUGAL-lu-dà-ri]</i> <i>iv 3'mpa-aq-ru-ru LUGAL.MEŠ 'ša^۱ [qé-reb KUR.mu-šur]</i> <i>iv 4'iš-ku-nu [AD ba-nu-u]-a^۱</i> <i>iv 5'a-de-e AN.ŠÁR ù DINGIR.MEŠ 'GAL^۱. [MEŠ EN].MEŠ-ia</i> <i>iv 6'e-ti-qu-ú-ma ip-ru-š^۱ ma-mit-sún</i> <i>iv 7'qa-ab-ti AD ba-ni-ia im-š^۱u-ma</i> <i>iv 8'lib-ba-šú-nu ik-pu-du le-mut-tú</i> <i>iv 9'da-bab-ti sur-ra-a-te id-bu-bu-ma</i> (RINAP 5, Ashurbanipal 002).	«پس از آن، نکو [شرولودری]. (و) پُرورو، پادشاهانی که پدرم نصب کرده بود (در مصر) از سوگند وفاداری که به آشور و خدایان بزرگ، سروران من خورده بودند، تخطی کرده و سوگند را شکستند. کارهای نیک پدرم را، به وجودآورنده من، آنها فراموش کردند، قلب‌های ایشان شر و بدی برنامهریزی کرد و دروغ گفتند».
---	---

۱. *sarrūtu* (دروغ، خیانت)، از فعل *sarruru* به معنی دروغ گفتن و فریب‌دادن و جرم مرتکب شدن (CAD S, 185).

۲ برای دیدن تداوم و گستره استفاده از موتیف «دروغ [گویی]» به عنوان «شورش [ی]» در تمدن‌های خاور نزدیک باستان و حتی استفاده از آن در بخش‌های از عهد عتیق که به تسلط هخامنشیان اشاره دارد، نک به: (Pongratz-Leisten, 2002).

۳ «*lemuttu*» به معنی شر، اسم مؤنث «*lemnu*» واژه‌ای که در متن اکدی کتیبه Xph از خشیارشا نیز به کار رفته است:

- *lem-nu MEŠ annūtu attapal* (CAD, L. P 125)

۴ plotting evil in their hearts

۵ evil intent/ evil, disloyal heart.

۶ To separate

دروغ‌زنی و همچنین فریب‌کاری نسبت به شاه پیشین (کمبوجیه دوم) دور نگاه دارد. اتهاماتی که دست‌کم دو عدد از آنها (بی‌وفایی و دروغ) در بیستون شناسه شورشیان (پیمان‌شکنان) است.

۵. آنها بی‌وفا بودند و اهوره‌مزدا را نمی‌ستودند
در آغاز ستون پنجم کتیبه بیستون که تنها به خط و زبان پارسی باستان نگاهشته شده است، داریوش شاه تأکید می‌کند آنچه در اینجا گفته شده مربوط به سال‌های دوم و سوم پادشاهی اوست (DB V. 71: 1-4). در این بخش از کتیبه، اشاره به «arīkā = بی‌وفا» بودن عیلامیان و سکاها نشان می‌دهد، رویدادهای ستون پنجم کتیبه بیستون در پیوند با بخش‌های پیشین آن (ستون‌های یکم تا چهارم) بوده و همچنان در چارچوب موضوع شورش در برابر شاه هخامنشی می‌گنجد.^۱ اما آنچه در ستون پنجم تازگی دارد، نبود هیچ اشاره‌ای به موتیف «دروغ»، و در اصل حذف آن است. افزون‌بر این، کتیبه این بار در کنار «بی‌وفا» خواندن شورشیان شناسه‌ای تازه را برای بازنمایی آنان به کار می‌گیرد؛ آنها «اهوره‌مزدا را ستایش نمی‌کنند»:

Pompeo, 2020, pp. 118-119p. 236. این برداشت، برای چرایی حذف موتیف «دروغ» در ستون پنجم کتیبه بیستون اهمیت بسزایی خواهد داشت.

۴. نه بی‌وفا بودم، نه دروغ‌زن و نه فریب‌کار

داریوش شاه پس از گزارش داستان شورش‌ها (ستون‌های یکم تا سوم) در ستون چهارم کتیبه بیستون، چنین می‌گوید:

«گوید داریوش شاه: از این‌رو اهوره‌مزدا و دیگر خدایانی که هستند، پشتیبانی‌ام کردند: زیرا نه بی‌وفا بودم، نه دروغ‌زن بودم، نه فریب‌کار بودم، نه من، نه دودمانم.»	θāti Dārayavauš xšāyaθiya avahyarādīmaī Auramazdā upastām abara utā anī yāha bagāha tayai hanti yaθā nai arīka āham nai draujana āham nai zurakara āham nai adam najmaī taumā (DB IV. 63: 61-67).
--	---

این متن نشان‌دهنده چرایی برگزیده‌شدن داریوش شاه از سوی اهوره‌مزدا و به شهریاری رسیدن اوست؛ اما اشاره شاه به دودمان خود و استفاده از فعل «āham» که برای اشاره به گذشته به کار می‌رود (Schmitt, 2014, pp. 126-127; حسن‌دوست، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۹؛ مولایی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۲)، می‌تواند آن را در پیوند با گفته‌های شاه هخامنشی در ستون یکم، بند دهم نیز جای دهد؛ زیرا، در آنجا تأکید شده بود به‌هنگام پادشاهی کمبوجیه: «مردم/سپاه بی‌وفا شدند و دروغ در سرزمین بسیار شد» (DB I 10: 26-35). همان‌گونه که گفته شد «بی‌وفایی» و «دروغ» مشخصه شورشیان است و «فریب‌کاری = zurakara» نیز معنایی بسیار نزدیک به آنها دارد (Schmitt, 2014, pp. 295-296; حسن‌دوست، ۱۳۹۹، ص. ۴۵۳؛ مولایی، ۱۳۹۹، ص. ۴۰۰). بنابراین، می‌توان گفت متن بالا کوششی از سوی شاه تازه بر تخت نشسته هخامنشی [داریوش یکم] است، تا خود و دودمانش را از اتهام بی‌وفایی،

۱. برای دیدن آرای متفاوت در این باره، به‌ویژه درباره سکاها تیگره-خنودا، نک به:

- Dandamaev, Muhammad A. 1989. A Political History of the Achaemenid Empire, trans. W.J. Vogel sang. Leiden: E.J. Brill, pp. 136-40. & Lincoln, Bruce, 2012. "The King's Truth" in: 'Happiness for mankind: Achaemenian Religion and the Imperial project, Volume 53 of Acta Iranica, Peeters, pp. 26-27.

- همچنین، برای دیدن آخرین پژوهش‌ها درباره شورش‌ها یا دشمن‌بودن سکاها تیگره‌خنودا و همچنین دیدگاه‌های گوناگون درباره مکان سرزمین آنان، نک به:

- Potts. D.T, 2023. "The Persian Empire under the Achaemenid Dynasty, from Darius I to Darius III" in: 'The Oxford History of the Ancient Near East, Volume 5: The Age of Persia' Editors: Karen Radner, Nadine Moeller, and D. T. Potts, pp. 437-438.

ایالت‌های آشور در می‌آمد، مردمان آن فراتر از سوگند به خدای آشور، از آن پس ناگزیر به پیروی از آیین شاهان آشور بوده و می‌بایست خدای آشور را پرستش کنند (بادامچی، ۱۳۹۱، صص. ۳۵-۳۹؛ Cogan, 1974, p. 49).

با آنکه ستون پنجم کتیبه بیستون نشان‌دهنده این است که «مفهوم شورش[ی]» از سطح سیاسی فراتر رفته و در حوزه نافرمانی در برابر اراده اهوره‌مزدا (خدای آریایی‌ها) جای گرفته؛ اما این تحول به نظر به‌گونه‌ای متفاوت از ایدئولوژی شاهان آشوری انجام شده است؛ چراکه هیچ نشانه‌ای از تحمیل دین شاهان هخامنشی بر مردمان شورشی (پرستش اجباری اهوره‌مزدا) دیده نمی‌شود (برای دیدگاهی متفاوت نک به: (Hutter, 2021, pp. 1286-1288).

همچنین، به‌کارگیری موتیف «دروغ» در ستون یکم تا چهارم کتیبه بیستون و آن‌گاه حذف آن در ستون پنجم کتیبه، نکته‌ای درخور تأمل است. بنابر دیدگاه هوتو، شاهان هخامنشی دوگانگی میان «راستی» و «دروغ» در دین زردشتی را برای اهداف سیاسی خود مناسب دیده و از این‌رو این مفاهیم را برای توصیف بدخواهان سیاسی خود در کتیبه‌های شاهانه به کار گرفته‌اند (Hutter, 2021, pp. 1285-1287). با این وجود حذف موتیف «دروغ» در ستون پنجم کتیبه که تنها سه سال پس از بخش‌های نخستین آن نوشته شده است، تا اندازه‌ای دیدگاه وی را به چالش می‌کشد؛ زیرا موضوع کتیبه هیچ تغییری نکرده و همچنان پیرامون مسئله شورش (شکسته شدن پیمان وفاداری) است. بنابراین، به نظر می‌رسد حذف موتیف «دروغ» در ستون پنجم کتیبه بیستون، نشان‌دهنده این است که فرمانروایی هخامنشیان به‌گونه‌ای آگاهانه به‌دنبال دورشدن از «مفهوم شورش[ی]» در ایدئولوژی سیاسی شاهان میانرودان و

<p>avaḥ Ūjīyā arīkā āha, utāšām Auramazdā naj ayadiya (DB V. 72: 15-16). avaḥ Sakā arīkā āha utā naj Auramazdāšām ayadiya (DB V. 75: 31-32).</p>	<p>«آن عیلامیان بی‌وفا بودند، و اهوره‌مزدا را نمی‌ستودند.» «آن سکاها بی‌وفا بودند و اهوره‌مزدا را نمی‌ستودند.»</p>
--	--

بالین وجود، گل‌نوشته‌های باروی تخت‌جمشید و شواهد فراوان یافت‌شده از دیگر سرزمین‌های شاهنشاهی گواهند که در ایدئولوژی سیاسی هخامنشیان، نه تنها پرستش خدایان بومی دیگر مردمان ایرادی نداشت، که شاهان هخامنشی گاهی به بزرگداشت آن خدایان نیز می‌پرداختند (Kellens, Briant, 1986, p. 429; Sancisi-2021, p. 1211; Weerdenburg, 1993, p. 157).

اما در اینجا، به نظر می‌رسد ستایش اهوره‌مزدا، خدای بزرگ و پشتیبان شاه هخامنشی که در نسخه عیلامی بیستون «nap Hariyanam = خدای آریاها» خوانده شده (Bae, 2001, pp. 207, 435; Bae, 2001, pp. 207, 435; ۱۳۹۴، صص. ۱۳۷-۱۳۸، ۲۲۷)، استعاره‌ای دینی از «وفاداری» نسبت به شاه هخامنشی گرفته شده است (Sancisi-Weerdenburg 1993, p. 157; Kuhrt, 2007b, p. 123). یعنی، شورش در برابر شاه هخامنشی را برابر با شورش در برابر اهوره‌مزدا (خدای شاه) گرفته‌اند (Henkelman, 2021, p. 1225).

به باور برخی پژوهشگران، هخامنشیان این ایده را به پیروی از ایدئولوژی شاهان آشور نو به کار گرفته‌اند (Pongratz-Leisten, 2002, p. 235). به واقع، در روزگار امپراتوری آشور، همه مردمان فرمانبردار در قلمرو آنان ناگزیر بودند خدای آشور را به رسمیت شناخته و به نام او سوگند وفاداری یاد کنند (Cogan, 1974, p. 49). با این وجود، آشوریان بسته به اینکه سرزمینی چگونه و تحت چه شرایطی ضمیمه قلمرو آنان می‌شد، سیاست دینی متفاوتی را به کار می‌گرفتند؛ چنان‌که اگر سرزمینی در شمار

سیاسی دارد، بلکه به احتمال زیاد استفاده از موتیف «دروغ» در بیستون همچون برخی از دیگر جنبه‌های این کتیبه، متأثر از سنت شاهان میان‌رودان به‌ویژه آشور نو بوده است.

همچنین، بررسی واژه «udapatatā» نشان داد که ترجمه این واژه به «شورش کردن»، به نظر ترجمه چندانی مناسبی نمی‌آید؛ زیرا نه با ریشه‌شناسی واژه و نه با نحوه کارکرد آن در متن کتیبه یا معادل آن در نسخه اکدی (*tebû*) هم‌خوانی ندارد. در واقع، *udapatatā* اصطلاحی برای نشان‌دادن چگونگی شکل‌گیری فرایند شورش و معرفی رهبر آن و مدعای اوست.

اما «hamiçiya»، واژه‌ای که در بیشتر مواقع به «شورشی» و گاهی نیز به «دشمن» معنی می‌شود. در این پژوهش، باتوجه‌به معادل اکدی این واژه در بیستون (*nakāru*)، نشان داده شد که ترجمه *hamiçiya* به «دشمن» ترجمه چندانی دقیق به نظر نمی‌رسد؛ چراکه، *nakāru* معنی «دشمن» و هم «شورشی» را باتوجه‌به زمینه متنی که در آن به کار می‌رود می‌تواند به خود بگیرد. در واقع، کتیبه‌های پارسی باستان برای اشاره به مفهوم «دشمن» از واژگان دیگری (*paratara* و *haṅnā*) استفاده می‌کنند. از این رو، باتوجه‌به نحوه کارکرد این واژه در متن کتیبه بیستون، می‌توان گفت *hamiçiya* واژه‌ای است که برای اشاره به مردمانی به کار می‌رود که پیش‌تر نسبت به شاه هخامنشی تعهد وفاداری داده بودند؛ اما، سپس پیمان وفاداری خود را شکسته و با دیگری در برابر شاه هخامنشی هم‌پیمان شده‌اند. آنان «شورشی» یا به عبارتی بهتر «پیمان‌شکن» هستند.

در ستون پنجم کتیبه بیستون، شاه هخامنشی عیلامیان و هم‌سکاها را *arika* می‌خواند. آن‌گونه که نشان داده شد، این صفتی است که تنها در خور کسانی است که پیش‌تر نسبت به شاه هخامنشی پیمان

هرچه بومی‌تر کردن این مفهوم در اندیشه سیاسی خود بوده است. چنان‌که، «مفهوم شورش [ی]» را از حوزه موتیف «دروغ» که دارای پیشینه‌ای چندین هزار ساله در تمدن میان‌رودان بود کنار زده و به معنای کسی که در برابر اراده اهوره‌مزدا «خدای آریایی‌ها» می‌ایستد به کار گرفته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از ستون یکم تا چهارم کتیبه بیستون واژگانی که برای بازنمایی مفهوم شورش [ی] در اندیشه سیاسی شاهنشاهی هخامنشی به کار رفته‌اند، شامل: «*arika*»، «*draugā*»، «*udapatatā*» و «*hamiçiya*» هستند.

واکوی واژه «*arika*»، و چگونگی کاربرد آن در متن کتیبه و سنجش آن با معادل اکدی (*lib-bi 'bi-i'*) در متن کتیبه نشان می‌دهد که *arika* مفهومی است کلی، با کارکردی سیاسی؛ و تنها به کسانی تعلق می‌گیرد که در شمار مردمان فرمان‌بردار شاهنشاهی بوده‌اند. کسانی که پیش‌تر نسبت به شاه هخامنشی سوگند وفاداری خورده‌اند (پیمان وفاداری بسته‌اند)؛ اما سپس، تعهد وفاداری خود را نادیده انگاشته و از شاه روی‌گردان شده‌اند. آنان پلید و بی‌وفایند؛ از این رو به‌سختی مجازات می‌شوند.

«*draugā*» عامل برپایی شورش؛ واژه‌ای کلیدی و پرکاربرد برای بازنمایی شورشیان در ایدئولوژی سیاسی بازتاب‌یافته در ستون‌های یکم تا چهارم کتیبه بیستون است. بررسی پیشینه استفاده از موتیف «دروغ» برای اشاره به مفهوم «شورش [ی]» (پیمان‌شکن) در سنت شاهان خاور نزدیک باستان و مقایسه آن با چگونگی کاربرد این مفهوم در کتیبه بیستون و آن‌گاه حذف آن از ستون پنجم کتیبه، نشان‌دهنده این است که این مفهوم نه‌تنها کارکردی

منابع

بادامچی، حسین (۱۳۹۱). فرمان کورش بزرگ به همراه ویرایش ترجمه و واژه‌نامه متن اکدی. نشر نگاه معاصر.

حسن دوست، محمد (۱۳۹۹). فارسی باستان، کتیبه‌ها، واژه‌نامه (چنگیز مولایی، ویراستار علمی). فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

رسولی، آرزو (۱۳۹۶). اصول اعتقادی هخامنشیان براساس سنگ‌نبشته‌ها. تاریخ ایران، ۱۰ (۱)، ۷۶-۵۹.

https://irhj.sbu.ac.ir/article_95465.html
علی‌یاری بابلقانی، سلمان (۱۳۹۴). تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون: پیشگفتار، دستور ایلامی هخامنشی، حرف‌نویسی، ترجمه، مقابله با تحریرهای دیگر، یادداشت‌ها و واژه‌نامه. نشر مرکز.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (دفتر پنجم). فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

کلارک، الیزابت (۱۳۹۷). تاریخ، متن، نظریه، مورخان و چرخش زبانی (سید هاشم آقاجری، مترجم). انتشارات مروارید.

کلنز، ژان (۱۳۸۶). مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی (احمدرضا قائم‌مقامی، مترجم). نشر و پژوهش فرزاد روز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی (حسن چاوشیان، مترجم). نشر نی.

محمدحسین بن خلف تبریزی (۱۳۶۲). برهان قاطع (ج. ۱؛ محمد معین، گردآورنده). موسسه انتشارات امیرکبیر.

مولایی، چنگیز (۱۳۹۹). فرهنگ زبان فارسی باستان. آوای خاور.

وفاداری بسته بودند؛ اما سپس پیمان شکسته و از او روی گردان شده‌اند. بنابراین، ستون پنجم کتیبه بیستون، همچون ستون‌های یکم تا چهارم آن در پیوند با مسئله «شورش [ی]» است، و از این نظر نشان‌دهنده پیوستار این مسئله و یکدستی موضوع آن در متن کتیبه بیستون است. با این وجود، حذف موتیف «دروغ» در این بخش و جایگزینی آن با عبارت «nai Auramazdāšām ayadiya»، به معنی «اهوره‌مزدا را نمی‌ستوند» برای اشاره به شورشیان، نشان می‌دهد اندیشه سیاسی هخامنشیان درباره چگونگی بازنمایی مفهوم شورش [ی] دچار تحول شده است. به نظر می‌رسد، عبارت «اهوره‌مزدا را نمی‌ستوند» در اشاره به شورشیان، با توجه به سنت شاهان آشور نو، اشاره‌ای است به سوگند وفاداری نسبت به شاه هخامنشی که پیش‌تر به نام اهوره‌مزدا (خدای شاه، ویژه آریایی‌ها) یاد شده بود. در نتیجه، «آنان که اهوره‌مزدا را نمی‌ستایند»، کسانی‌اند که سوگند وفاداری خود نسبت به شاه هخامنشی را شکسته‌اند. این ایده، چگونگی رویکرد هخامنشیان نسبت به «مفهوم شورش [ی]» و کوشش آنان در هرچه بومی‌تر کردن این مفهوم در اندیشه سیاسی خود را نشان می‌دهد. به‌ویژه که به‌گونه‌ای متفاوت از سنت آشوریان، نشانه‌ای از تحمیل پرستش اهوره‌مزدا بر مردمان شورشی نیز توسط هخامنشیان دیده نمی‌شود.

سرانجام، می‌توان نتیجه گرفت که همه واژگان و عبارات بازنمایی‌کننده «مفهوم شورش [ی]» در کتیبه بیستون، از ستون یکم تا پنجم آن، یک ویژگی مشترک از «مفهوم شورش [ی]» در اندیشه سیاسی هخامنشیان را بازنمایی می‌کنند و آن مسئله شکسته‌شدن پیمان وفاداری نسبت به شاه هخامنشی است؛ «پیمان‌شکن [ی]».

References

- Ahn, G. (1992). *Religiöse Herrscherlegitimation im Achämenidischen Iran: die Voraussetzungen und die Struktur ihrer Argumentation* (Acta Iranica 31). Brill/Peeters.
- Babolghani, S. A. (2015). *The Elamite Version of Darius the Great's Inscription at Bisotun: Introduction, Grammar of Achaemenid Elamite, Transliteration, Persian Translation, Comparison with other Versions, Notes and Index*. Nashr-e Markaz Publication. [In Persian].
- Badamchi, H. (2013). *Cyrus Cylinder: Introduction, edition and lexicon*. Negah-e Moaser Publication. [In Persian].
- Bae, Ch. (2001). *Comparative Studies of King Darius's Bisitun Inscription*. Harvard University.
- Bailey, H. W. (1961). Aryan III. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS)*, 24(3), 470-483.
- Bartholomae, C. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg.
- Briant, P. (1986). Polythéismes et empire unitaire. Remarques sur la politique religieuse des Achéménides. In *Les grandes figures religieuses: fonctionnement pratique et symbolique dans l'Antiquité*. p. 425-443.
- Brandenstein, W., & Mayrhofer, M. (1964). *Handbuch des Altpersischen*. Wiesbaden.
- Clark, E. A. (2017). *History, Theory, Text: Historians and the Linguistic Turn* (S. H. Aghajari, Trans.). Morvarid Publication. [In Persian].
- Cogan, M. (1974). *Imperialism and Religion: Assyrian, Judah, and Israel in the Eighth and Seventh Centuries B.C.E.*. Society of Biblical Literature.
- Dewar, B. N. (2019). *Representations of Rebellion in the Assyrian Royal Inscriptions* [Doctoral thesis, University of Birmingham].
<https://theses.bham.ac.uk/id/eprint/9238/>
- Frayne, D. R. (1993). *Sargonic and Gutian Periods (2234-2113 BC)*. The Royal Inscriptions of Mesopotamia, University of Toronto Press.
- Giddens, A. (2007). *Sociology* (H. Chavoshiyan, Trans.). Ney Publication. [In Persian].
- Gnoli, G. (2012, December). AŠAVAN (possessing Truth).
<https://www.iranicaonline.org/articles/asav-an-avestan>
- Hassan-doust, M. (2020). *Old Persian: Inscriptions, Lexicon* (Ch. Mowlae, Ed.). Academy of Persian Language and Literature. [In Persian].
- Head, M. R. (2010). Assyria at Bisitun and the Universal Kingship of Darius I of Persia. In *Your Praise is Sweet: A Memorial Volume for Jeremy Black from Students, Colleagues, and Friends* (H.D. Baker, E. Robson, & G. Zólyomi, Ed.). British Institute for the Study of Iraq, p. 117-124.
- Henkelman, W. (2021). The Heartland Pantheon. In *A Companion to the Achaemenid Persian Empire* (B. Jacobs & R. Rollinger, Ed.). Blackwell, p. 1221-1242.
- Herrenschmidt, Cl. (1976). Designation de l'empire et concepts politiques de Darius I d'après ses inscriptions en vieux-perse. In *Studia Iranica* 5, p. 33-66.
- Herodotus (1920). *Histories* (vol. I: Books I-II; A. D. Godley, Trans; The Loeb Classical Library). William Heinemann.
- Herodotus (1921). *Histories* (vol. II: Books III-IV; A. D. Godley, Trans; The Loeb Classical Library). William Heinemann.
- Hinz, W., & Kock, H. M. (1987). *Elamisches Wörterbuch* (Vol. I: Archäologische Mitteilungen aus Iran Ergänzungsband 17). Dietrich Reimer.
- Hutter, M. (2021). Religions in the Empire. In *A Companion to the Achaemenid Persian Empire* (Vol. II; B. Jacobs & R. Rollinger, Ed.). Blackwell, p. 1285-1302.
- Inslar, S. (1975). *The Gathas of Zarathustra* (Acta Iranica 8). E. J. Brill.
- Jordheim, H. (2021). Conceptual History. In *Bloomsbury History: Theory and Method*.
- Kellens, J. (2008). *Essays on Zarathustra and Zoroastrianism* (A.R. Qaemmaqami, Trans.). Farzaneruz Publication. [In Persian].
- Kellens, J. (2021). The Achaemenids and the Avesta. In *A Companion to the Achaemenid Persian Empire* (Vol. II; B. Jacobs & R. Rollinger, Ed.). Blackwell, p. 1211-1220.
- Kent, R. (1953). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon* (2d ed.). American Oriental Society.
- Koselleck, R., Otto, B., & Werner, C. (1972). *Geschichtliche Grundbegriffe Historisches Lexikon zur politisch-sozialen Sprache in Deutschland*, Band 1 A-D. Ernst Klett

- Verlag Stuttgart.
- Koselleck, R. (2002). social history and conceptual history. In *the practice of conceptual history, timing history spacing concepts*. Stanford University Press, p. 20-37.
- Koselleck, R. (2011). Introduction and Prefaces to the *Geschichtliche Grundbegriffe* (M. Richter, Trans). *Contributions to the History of Concepts*, 6(1), 1–37.
- Kuhrt, A. (2007a). *The Persian Empire, A Corpus of Sources from the Achaemenid Period*. Routledge.
- Kuhrt, A. (2007b). The problem of Achaemenid “religious policy”. In B. Groneberg, H. Spieckermann (eds.), *Die Welt der Götterbilder*. de Gruyter, p. 117–142.
- Lazard, G. (1976). notes de vieux-perse. *BSL* 71, 175-192.
- Lecoq, P. (1997). *Les Inscriptions de la Perse Achéménide*. Gallimard.
- Lincoln, B. (2007). *Religion, Empire, and Torture: The Case of Achaemenian Persia, with a Postscript on Abu Ghraib*. The University of Chicago Press.
- Lincoln, B. (2012). The King’s Truth. In *'Happiness for mankind: Achaemenian Religion and the Imperial Project* (Vol. 53; *Acta Iranica*). Peeters, p. 20-41.
- Liverani, M. (1990). *Prestige and Interest: International Relations in the Near East ca. 1600-1100 B.C*. Padova.
- Meillet, A. & Benveniste, E. (1931). *Grammaire du vieux-perse*. Deuxieme edition enti erement corrigeet augmentee par E. Benveniste.
- Mohammad Ibn Khalaf-e Tabrizi. (1983). *Borhan-e Qate* (Vol I, by M. Moin). Amirkabir Publication. [In Persian].
- Mowlae, Ch. (2021). *Dictionary of Old Persian*. Avayekhavar. [In Persian].
- Pompeo, F. (2020). 'To lie' between myth and history. Some remarks on the meaning of the Old Persian verb duruj-in the light of Avestan mythology. In *The ritual sphere in cultic texts and practices from the ancient and early medieval East*. The Norwegian Institute of Philology and Hermes Academic Publishing. p. 99-124.
- Pongratz-Leisten, B. (2002). Lying King’ and ‘False Prophet’. The Intercultural Transfer of a Rhetorical Device within Ancient Near Eastern Ideologies. In *Ideologies as Intercultural Phenomena* (A. Panaino & G. Pettinato, Eds.; *Proceedings of the Third Annual Symposium of the Assyrian and Babylonian Intellectual Heritage Project*). Università di Bologna & IsIao, p. 215-43.
- Rasuoli, A. (2017). Achaemenid Beliefs Based on Their Inscriptions. *Iran History*, 10(1), 59-76.
https://irhj.sbu.ac.ir/article_95465.html [In Persian].
- Rollinger, R. (2016). The relief at Bisitun and its Ancient Near Eastern Setting: contextualizing the visual vocabulary of Darius’ triumph over Gaumata. In C. Binder, H. Börm, and A. Luther (eds.), *Diwan: Untersuchungen zu Geschichte und Kultur des Nahen Ostens und des östlichen Mittelmeerraumes im Altertum: Festschrift für Josef Wiesehöfer zum 65. Geburtstag*. Wellem Verlag, p. 5–51.
- Rose, J. (2011). *Zoroastrianism: An Introduction*. Tauris & Co Ltd.
- Schlerath, B. & Skjærvø, P. O. (2012, December). AŞA. <https://www.iranicaonline.org/articles/asa-means-truth-in-avestan>
- Schmitt, R. (1991). *The Bisitun Inscriptions of Darius the Great*. Old Persian Text. *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, by School of Oriental and African Studies.
- Schmitt, R. (2000). *Corpus Inscriptionum Iranicarum: The Old Persian inscriptions of Naqsh-e Rostam and Persepolis, I. 1.2*. London.
- Schmitt, R. (2014). *Wörterbuch der altpersischen Königsinschriften*. Reichert Verlag.
- Skjærvø, P. O. (2014, June). Achaemenid Religion. pp. 175-187. <https://compass.onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/rec3.12110>
- Skjærvø, P. O. (2020). *An Introduction to Old Persian*. Prods Oktor Skjærvø.
- The Academy of Persian Language and Literature. (2008). *A Collection of Terms, Approved by: The Academy of Persian Language and Literature* (Vol 5). Persian Language and Literature Academy. [In Persian].
- Thieme, P. (1971). *Review Brandenstein & Mayrhofer 1964*. *KZ* 85, pp. 297-298.
- Thieme, P. (1975). The Concept of Mitra in Aryan Belief. In *Mithraic Studies: Proceedings of the first International Congress* (Vol I; J. R. Hinnells, Ed.; Manchester University Press, Rowman and

- Littlefield, p. 21-39).
- Von Voigtländer, E. N. (1978). *The Bisutun Inscription of Darius the Great. Babylonian Version.*
- Wackernagel, J. (1932). Indoiranica. In *Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung auf dem Gebiete der Indogermanischen Sprachen* (Vandenhoeck & Ruprecht; GmbH & Co. KG), p. 19-30.
- Weerdenburg, H. S. (1993). Political concepts in Old-Persian royal inscriptions. In *Anfänge politischen Denkens in der Antike* (Published by Oldenbourg Wissenschaftsverlag, pp. 145-163).
- Yamauchi, Edwin M. (1996). *Persia and the Bible*. Grand Rapids, MI: Published by Baker Books.

فهرست علائم اختصاری

- CAD = Chicago Assyrian Dictionary = Oppenheim, A. L., E. Reiner *et al.* (eds.) 1956-2011, *The Assyrian Dictionary of the University of Chicago*. Chicago.
- DB = Darius I's Rock Inscription at Behistun.
- DNa = Darius I's Rock Inscription at Naqsh-e-Rostam (a-e).
- DPd = Darius I's Rock Inscription at Persepolis (a-j).
- OED = Oxford English Dictionary.
<https://www.oed.com/?tl=true>
- RIMA 1 = Grayson, A.K. 1987. *Assyrian Rulers of the Third and Second Millennia BC (to 1115 BC)*. Toronto, Buffalo, and London.
- RIMA 2 = Grayson, A.K. 1991. *Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC I (1114-859 BC)*. Toronto, Buffalo, and London.
- RIMA 3 = Grayson, A.K. 1996. *Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II (858-745 BC)*. Toronto, Buffalo, and London.
- RINAP = The Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period. url:
<http://oracc.museum.upenn.edu/rinap/>
- XPl = Xerxes Rock Inscription at Persepolis (a-s).